

صحیفة الزهراء علیه السلام

[321] طلعت بیت الشرف را زهره تابنده بودآه کان تابنده کوکب رفت در خاکِ ای دریغ
آفتاب چرخ عصمت با دلی از غم کباب با تنی بیتاب و پرتب رفت در خاکِ ای دریغ پیکری آزرده
از آزار افعی سیرتان چون قمر در برج عقرب رفت در خاکِ ای دریغ کعبه کر و بیان و قبله
روحانیان مستجار دین و مذهب رفت در خاکِ ای دریغ لیلی حسن قدم با عقل اقدم هم قدم اولین
محبوبه رب رفت در خاکِ ای دریغ حامل انوار و اسرار رسالت آنکه بود جبرئیلش طفل مکتب، رفت
در خاکِ ای دریغ آن مهین بانو که بانویی از آن بانو نبوددر بساط قرب اقرب، رفت در خاکِ
ای دریغ آنکه بودی از محیط فیض وجودش کامیاب هر بسیط و هر مرکب، رفت در خاکِ ای دریغ شد
ظهور غیب مکنون باز غیب مستتر تربتش از خلق پنهان همچو سر مستتر " کمپانی "
